

استاد داستان‌سرا

دکتر برک پارسونز

من خواندن داستان‌های خوب را خیلی دوست دارم. با این حال متوجه شده‌ام که اکثر داستان‌ها خصوصاً در این روزها زیاد خوب نیستند. داستان‌های خیلی خوب غالباً قدیمی هستند. شخصیت‌های آن داستان‌ها نه فقط از لحاظ عقلی و فکری ما را درگیر می‌کنند، بلکه به عمق جان ما نفوذ می‌کنند. داستان‌های خوب گاهی ما را می‌خندانند و گاهی ما را به گریه وامی‌دارند. آنها ما را به چالش می‌کشند و به ما آرامش می‌دهند و در نهایت بدون تغییر ما را رها نمی‌کنند.

چندی پیش خواندن کتاب بی‌نویان، عصر— کلاسیک ویکتور هوگو را تمام کردم. خیلی زود بعد از برگرداندن کتاب به قفسه‌ی کتابخانه، احساس کردم دوست دارم دوباره آن را بخوانم، بعد از خواندن اولین صفحه‌ی کتاب احساس کردم نویسنده در حال برقراری ارتباط با خواننده در همان جملات اولیه است. داستان‌های خوب این چنین هستند. داستان‌های پرمحتوا دریچه‌ای را در مقابل خواننده باز می‌کنند که می‌شود پیام کلی داستان را از طریق آن دید. به محض آنکه خواننده آن دریچه را دریابد مشتاق خواندن مجدد آن کتاب خواهد شد، چون دقیقاً بعد از رسیدن به آن درک از کتاب متوجه می‌شود، داستان به‌طور کل در حال بازگو کردن چیست. احساس آنها این است که یک رمز را یافته‌اند و حتی خود را بخشی از داستان می‌بینند.

این یکی از دلایلی است که کودکان دوست دارند داستان‌های قبل از خواب را بارها و بارها بخوانند، و به همین دلیل ما مسیحیان مشتاق این هستیم که کتاب مقدس را به دفعات بخوانیم. اما حتماً بارها این جمله را از یک شخص غیر مسیحی یا بی‌خدا شنیده‌اید که بگوید، “من یک‌بار کتاب مقدس را خواندم و می‌دانستم که برای من نیست”؟ وقتی من چنین چیزی را می‌شنوم دوست دارم این‌طور جواب بدهم، “در حقیقت، شما هیچ‌وقت کتاب مقدس را نخوانده‌اید.” شاید آنها کلمات را خوانده باشند، اما چشمانی برای دیدن نداشته‌اند، گوش‌هایی که شنوا باشند و قلبی که بتواند آنچه نویسنده‌ی کتاب مقدس می‌گوید دریافت کنند در آنها نبوده. آنها از درک پیغام کلی و محتوای کتاب مقدس قاصر هستند، بنابراین هیچ تمایلی برای دوباره خواندن آن ندارند.

عیسی در گفتن داستان‌ها بسیار تبحر داشت، همان‌طور که در نبوت مزمور ۷۸ آمده (به متی ۱۳: ۳۵ نگاه کنید)، او غالباً با داستان‌ها و مثل‌ها با دیگران صحبت می‌کرد تا معنای عمیق تعالیم خود را برای افراد آشکار کند. عیسی این کار را حداقل به دو دلیل انجام می‌داد: یکی برای متحیر ساختن افرادی که او را رد می‌کردند و دیگری برای روشن ساختن موضوع برای پیروانش (مرقس ۴: ۱۱-۱۲). اگر کسی تمام داستان‌ها و مثل‌های عیسی را گیج‌کننده می‌بیند، به این دلیل است که خدای قادر مطلق، چشمی برای دیدن و گوش‌هایی برای شنیدن و یا قلبی برای درک حقیقت نجات‌بخش انجیل پر جلال عیسی مسیح به او نبخشیده است.

با این حال، ما به‌عنوان ایمانداران داستان‌های عیسی مسیح را بسیار دوست داریم، نه فقط به دلیل خوب بودن آنها، بلکه به این دلیل که روح القدس چشم‌ها، گوش‌ها و قلب‌های ما را برای درک پیغام نهفته در آنها گشوده است. ما با شخصیت‌های مثل‌های عیسی هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم، و مشتاقیم بارها آنها را بشنویم همان‌طور که در محبت شگفت‌انگیز پدرمان آرامی می‌یابیم.

دکتر بارک پارسونز ویراستار مجله‌ی تیبل‌تاک و کشیش ارشد کلیسای سنت اندرو در استنفورد، فلوریدا، است. او ویراستار *Assured by God: Living in the Fullness of God's Grace* می‌باشد. نشانی حساب توییتر او @BurkParsons است.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.

عیسی در گفتن داستان‌ها بسیار تبحر داشت، بعضی افراد داستان‌ها و مثل‌های عیسی را گیج‌کننده می‌بینند، اما برای ایمانداران آن حکایات بسیار پرمحتوا هستند، زیرا که روح‌القدس چشم‌ها، گوش‌ها و قلب‌های آنها را برای درک پیغام نهفته در آن مثل‌ها گشوده است.